



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۲/۱۳

دوکتور صلاح الدین سعیدی

عوامل تراژیدی ملت ما!

جناب صالح در محور طلوع!

جناب امرالله صالح کدر جوان و در موارد خیر اندیش درین برنامه مذکور سیه دانه، جودر، سنگچل و گندم را قاطی پاتی کرده، تلاش دارد به ذهن شنونده و بیننده بدهد. اما خوشبختانه شنونده و خواننده بیدار امروز سخت گیر است و بیداری سیاسی دارد. میداند بخش ازین اظهارات و تحلیل هاناشی از در قید بودن حلقه سیاسی و بخش از عدم فهم عمق قضایا و را با بخش های آن پیچیده ای موجود آن تفکیک نمی کند. مسلماً تلاش ما کمک به تصحیح در بخش از برداشتهای خطاء و در کجا به خطاء رفته اند مساعدت خواهد کرد.

خطای بحث شان در عدم برداشت درست از ضرورت مصالحه سیاسی و عدم اعتقاد شان به سیاست مصالحه سیاسی با یکی دوصحبت اول شان روشن است. تصادفی نیست که در دهه حاکمیت مستقیم شان در هفت سال در پوست ریاست امنیت درین بخش سیاست مصالحه سیاسی موفقیت نداشت. به فهم، منطق و شناخت من سیاست مصالحه سیاسی نه تضرع و نه هم کم ارزش دادن به نیروهای امنیتی است. مصالحه سیاسی تجرید دشمن از بین ملت و در دید جهان است.

مصالحه سیاسی به مفهوم واقعی کلمه الترناطیف خوب دیگر ندارد. مخالفت به سیاست مصالحه سیاسی تعقیب همان سیاست نفیه دیگران است که در حق خود آنرا جناب صالح شدیداً رد خواهد کرد. وی در مورد حزب اسلامی و تفاهم اخیرش با حاکمیت کابل را رد و ازین توافق حاکمیت کابل و توافق سیاسی بدون اخذ امتیاز چوکی از جانب حزب اسلامی را باز هم رد میکند.

حزب اسلامی به انتخابات باور و تأکید دارد، امتیاز گرفتن در قدرت سیاسی را از دست حاکمیت فعلی نمی خواهد و به انتخابات آزاد و شفاف می رود، اگر برنده شد و یا بازنده، نتایج مطابق قانون انتخابات را قبول دارد. این بهترین از توافقات سیاسی است که باید مدل قرار داده شود. رد کردن این تأکید به یکه تازی و ادامه جنگ در افغانستان و دوام سیاست نفیه است که علماً صلح و ثبات را در جامعه مانع است.

گسست رهبری با قشر متوسط در نیروهای امنیتی که جناب صالح به آن باور دارد، علت دیگر نیز دارد که آن عمدتاً حزبی و سمتی ساختن نیروهای امنیتی در زمان طولانی حاکمیت نظار و جمعیت اسلامی است. سمتی سازی این ارگانها و به صورت مشخص جنرالان ارشد این ارگانها و غیر ملی بودن شان به اساس کار کردهای رهبری قبلی این ادارات است. حال که اقل تغییر آمده و یا در حال تغییر اند، خلاها و گسست بین این حلقات نیروهای امنیتی و بخش از رهبری ایکه بدون شک بی کفایت اند، محسوس است.

در قسمت اینک طالب صلح نمی خواهند، جناب صالح خطاء میکنند. علت اینک به نام طالب ای اس ای تجارت کرده و حلقات خیر خواه و افغانان با درد این حرکت را به صورت یقینی و بدون شک ترور و زندانی میکنند، شک نیست و این پروسه طولانی است. ملا برادرها، ملا برجان ها، ملا آغا جان و... دیگر رهبران طالب که به مجرد کار و اقدام در امر صلح افغانی به نابودی و یا هجرت مواجه شدند.

بخش های دیگر از صحبت شان نیز محدودیت های مشابه فکری دارد که ایشان مانند یک کدر جوان ضرورت به تجدید نظر دارند.

مطالعه من نشان میدهد که بخش از واقعیت نگری های جناب صالح در دوسال اخیر موجب از دست دادن جایگاه و نفوذ شان در صفوف و حلقات مربوط شان و یا واضح بگویم سیاست رد شان به روش های لندگری که کتله های مربوط به حلقه وسیع نظار و مکتب دور و بر شان است، ایشان را در حالت تجرید ازین حلقه و خاندانی های حاکم قرار میدهد که این امر موجب شده و یا با درک یک سلسله حقایق تلخ بخاطر حلقه مربوط متعصب پائینی خویش از اظهارات درست و سازنده یا دوری میجوید ویاسکوت میکند.

و اما نظر شان در مورد اینکه استخبارات چرا با خبر خویش در مورد سیستم کاری خویش واز جمله از افشاء استطرارق سمع صحبت دارد، باید گفت وسایل تخنیکی استخباراتی زیاد اند و خامی ها در کار استخباراتی مراجع امنیتی از همان اول انقدر زیاد بود که استخبارات دشمن استخبارات ما را به بازی میکشاند و به تمسخر میگیرد که

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

تأسف بار است. اینکه معاون اداره در کنفرانس خبری اعلام میدارد که شخص را در جلال آباد تصادفاً دستگیر کردیم و از وی تلفون یافتیم و بعد نمبر تلفونها و ... بحث شرم آور و سخت ضعیف است.....

در مورد اینکه وضع چنین آمده و رسیده که نه حرف مردم را دولت میشوند و نه حرف دولت را مردم، باید گفت که: حرف مردم را دولت از همان آغاز نمی شنود و این گپ امروز نیست. ار حاکمیت گپ ملت را میشوند، این حاکمیت امتیازات تمام ملت را به حلقه زور گو محدود خلاصه نمی کرد. جناب صالح درست فرموده که در حالت امروز والی فرمان آمر خود را قبول نه میکند و تمرد پیشه کرده. تمرد و یاغی گری ایکه منافع و مصالح دیموکراسی، مردم در آن یا اصلاً مطرح نیست و یا فرعی است. سخن مرکزی بقا در چوکی پُر در آمد ولایت و سهم منافع در تجارت شرکای حاکم مطرح است.

مسلم این است که پاکستان و استخبارات منطقه در تبنانی به حُکام به زور و زر رسیده به زور ب ۵۲ دست به دست هم داده و تلاش دارند تا بقای خویش و تأثیر خویش را را در یک نشست بُن جدید خلاف نورمهای قانونو اساسی تثبیت کنند. تمام شواهد نشان میدهند که تشدید بمب گذاری ها و بی امنیتی های اخیر در تبنانی این حلقات صورت میگیرد.

دستگیری های بخش جنایتکاران بخاطر جای را نمی گیرند بخش اصلی انتحاری و بخش دستگیر شده معمولاً در برابر پرداخت پول جرم را اجرا میکنند و قربانیان اند.

هموطنان گرامی!

برماست تا عوامل عمده و فرعی تراژیدی ملت افغان را درک نموده و اگر خود هم نا آگاهانه و یا نا آگاهانه در صف شر و فساد قرار گرفته باشیم از آن خود را رها کنیم.

هموطنان گرامی، خوهان و برادران!

اکثریت چوکی و زر پرستان خاندانی دودهء اخیر، دست به دست هم داده و در تبنانی با دشمن قسم خورده پاکستانی و فم بخاطر کسب لقمه از کثافت، خون و باروت ملت افغان دست به کار و مصروف هماهنگی شرارت اند. آشوب میکنند تا حاکمیت را منقاد به جزیه دادن کنند.

بر شماسست بی تفاوت نمانید و ادای رسالت نموده صدا و موضع روشن خویش را بلند کنید و مانع جزیه گیری شوید!

نه شود که دیر شود!

و ما علينا الا البلاغ المبین

پای